

صنوف تولیدی و خدمات فنی را نمی توان به روشنی و دقت کافی تعریف نمود. مرز بین صنف و صنعت به درستی مشخص نیست، و مرزهای تعیین شده در هر کشور به صورت قراردادی است. کارگاهی که در یک کشور در حال توسعه بزرگ محسوب می شود، در کشور پیشرفته صنعتی واحدی کوچک به شمار می آید. معیار تشخیص و تفکیک این دو گروه در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها، شمار کارگران شاغل و در برخی دیگر میزان سرمایه و یا ترکیبی از ضابطه های گوناگون از قبیل، شماره کارگران، میزان سرمایه، میزان فروش سالیانه، انواع دارائی ثابت و غیره ملاک تشخیص صنف از صنعت (صنایع کوچک از صنایع متوسط و بزرگ) است. در کنگره بین المللی مشاغل کوچک سال ۱۹۸۴ که در ترمولینوس اسپانیا برگزار شد، برای صنایع کوچک تعریف زیر تعیین گردید:

«صنعت کوچک واحدی است که دارای مالکیت مستقل (مالکیت فردی و در صورت تعاونی بودن، غیر دولتی یا غیر اشتراکی) و تعداد کارگران آن نیز از ۵۰ نفر تجاوز نمی کند».

سازمان یونیدو صنعت کوچک را چنین مشخص کرده است:

اشتغال در آنها کمتر از یکصد نفر باشد .

حجم سرمایه ثابت در آنها کمتر از ۲۵۰ هزار دلار باشد. هر چند از گاهی نیز به علت تورم و افزایش سطح عمومی قیمتها، عوامل تولید مانند نیروی انسانی، زمین، ماشین آلات و تجهیزات، حداکثر میزان سرمایه گذاری تغییر می یابد .

- در ایران علاوه بر سرمایه ثابت، معیار دیگری نیز مورد توافق قرار گرفته است که معیار تمایز صنف و صنعت را در خط تولید می داند، در این تفکیک واحدهای دارای خط تولیدی ماشینی را صنعت و مابقی را صنف می دانند .

- در کشورهای در حال توسعه معمولاً حداکثر تعداد کارگران صنایع کوچک را تا ۵۰ نفر تعیین می کنند، حال آنکه در کشورهای پیشرفته صنعتی این تعداد حتی به ۵۰۰ نفر نیز می رسد. از سوی دیگر تعداد کارگر و میزان سرمایه گذاری با توجه به نوع فعالیت متفاوت است. بطور کلی در بسیاری از موارد ضابطه میان صنایع کوچک و بزرگ به هدف مورد نظر و میزان توسعه یافتگی کشور بستگی دارد و این ضابطه اختیاری و قابل انعطاف است.